

بیگانه

نویسنده: آلبر کامو

مترجم: جلال آل احمد



کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م.	عنوان و نام پدیدآور
Camus, Albert	مشخصات نشر
بیگانه/نویسنده آلبر کامو؛ مترجم جلال آل احمد؛ ویراستار نیلوفر قبادی.	مشخصات ظاهری
نشر: آذرستان، ۱۳۹۸.	شابک
۱۱۲ ص.	وضعیت فهرست نویسی
978-600-7665-52-7	فهرست
فیما	پاداش
L'etranger	نویسنده
عنوان اصلی: L'etranger	موضوع
کتاب از هنر انگلیسی با عنوان "The stranger" به فارسی ترجمه شده است.	شماره آذرخه
کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف ترجمه و منتشر شده است.	شماره آذرخه
داستانهای فرانسوی -- قرن ۲۰ م.	زده ب. کنگره
French fiction -- 20th century	زده ب. دبی
آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۹۸ م. مترجم	شماره کتابخانه ملی
Al Ahmad, Jalal	
PQ2۳۲۳	
۸۳۳/۹۱۲	
99۲۷۳۱	



دفتر انتشارات: سه راهی امین - خیابان امین - ساژ ولیعصر طبقه همکف پلاک ۱۶
تلفن: ۰۴۱۳۵۵۶۷۴۸۲ - همراه: ۰۹۱۴۴۱۷۰۰۵

عنوان کتاب: بیگانه	ریسنده: آلبر کامو
مترجم: جلال آل احمد	ویراستار: نیلوفر قبادی
ناشر: انتشارات آذرستان	نشر: چاپ: دل ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰	قطع: رقعی
چاپ و صحافی: گنج حضور	تعداد صفحات: ۱۱۰
شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۶۶۵۵۲۷	قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

مقدمه

آلبر کامو، نویسنده معاصر فرانسوی است که نزدیک به همه عمر خود را در تونس، الجزیره و شهرهای آفریقای شمالی فرانسه گذرانیده است و به همین علت نه تنها در این داستان بزرگترین نقش آفتاب سوزان نواحی گرم به عهده دارد. و قهرمان داستان به همین علت، آفتاب است آدمی کشنده، بلکه در کار بزرگ دیگرش به نام «طاعون» همین نویسنده، بلای طاعون را بر یک شهر گرما زده اثر بقا نازل می‌کند، «تغییرات فصول را فقط در آسمان آن می‌شود خوانند. و در آن نه صدا، بل پرنده‌ای را میتوان شنید و نه زمزمه بادی را لای برگهای درختی».

«طاعون» که در این اثر این نویسنده شمرده می‌شود داستان ایستادگی قهرمان اساسی کتاب است در مقابل «بلا»؛ در حالی که بلای طاعون، داستان دلواپسی‌ها و اضطراب‌ها و فداکاری‌ها و بی‌غیرتی‌های مردم شهر طاعون زده است که طنین زنگ ماشین‌های نعلش کش آن؛ در روزهای هجوم مرض، دقیقه‌ای فرو می‌نشیند و بیمارانی طاعون زده را باید به زور سر نیزه از پستگانشان جدا کرد. غیر از این کتاب که به عنوان «رین اثر منشور سالهای اخیر فرانسه بشمار رفته است. آلبر کامو؛ دو نمایشنامه دارد. یکی به نام «سوتفاه» و دیگری «کالیگولا» و پس از آن کتاب‌ها و مجموعه مقالات دیگر او است به این ترتیب «تاتار»؛ «یک دوست آلمانی»، «فسانه سیزیف» و مجموعه کوچکی بنام «سور» و چند اثر دیگر.

آلبر کامو، که همچون ژان پل سارتر در ردیف چند نویسنده تازه‌الامروز فرانسه نام برده میشود، یک داستان نویس عادی نیست که برای سرگرم کردن خوانندگان، باقی نسخه معمول، مردی را به زنی دل بسته کند و بعد با ایجاد موانعی در راه وصال آن دو، به تداوم غنات داستان خود بیفزاید. داستانهای این مرد داستان‌هایی است فلسفی، که نویسنده، درک دقیق خود را از زندگی و مرگ، از اجتماع قوم و رسوم آن و هدفهایی که بخاطر آنها می‌شود زنده بود، در ضمن آنها بیان کرده است.

از این لحاظ «طاعون» و «بیگانه» این نویسنده، جالب تر از دیگر آثار اوست: در این دو داستان، نویسنده خود را رو بروی مرگ قرار می‌دهد. سعی می‌کند مشکل مرگ را برای خودش و برای

خوانندگان حل کند. سعی می کند دغدغه مرگ را و هراس آن را زایل کند. قهرمان داستان اولی؛ که ترجمه آن اکنون در دست شما است (و امید است که ترجمه ای دقیق و امین باشد) «بیگانه» ای است که گرچه درک می کند بیهوده زنده است ولی در عین حال به زیبایی های این جهان و به لذاتی که منتظر در هر قدم سر راه آدمی است سخت دلبسته است و با همین ها است که سعی می کند خودش را گول بزند و کردار و رفتار خود را به وسیله ای و به دلیلی موجه جلوه دهد. مردی است از همه چیز دیگران بیگانه، از عادات و رسوم مردم؛ از نفرت و شادی آنان و آرزوها و دل افسردگی هاشان. و بالاخره مردی است که در برابر مرگ چه آنجا که آدم می کشد و مرگ دیگری را شاهد است و چه آنجا که خودش محکوم به مرگ می شود - رفتاری غیر از رفتار آدمهای معمولی دارد.

حاشیانه «سوء تفاهم» نیز که داستان کامل شده همان ماجرای ناقصی است که قهرمان داستان «بیگانه» آنرا از روی روزنامه پاره ای که در زندان خود یافته هزاران بار می خواند باز در اطراف همین مسئله در می زند. پسری است که از زادگاه خود برای کسب مال بیرون آمده و وقتی بر می گردد تنها بی ادب و خواهرش بیگانه ای بیش نیست بلکه حتی نمی داند چگونه خودش را به آنان معرفی کند. در همین میانه است که مادر و خواهرش به طمع پولی که در جیب او دیده اند او را می کشند. بر این حاشیانه مردمی هستند که فکر می کنند یا باید همچون سنگ شد و یا خودکشی کرد. و این مادر و خواهر قاتل که پس از کشتن پسر و برادر خود دیگر نمی توانند سنگ بمانند و کلماتی مثل «گناه» و «ملفه» تازه برای شان معنی پیدا کرده است، ناچار راه دوم را اختیار می کنند. برای بهتر کردن این داستان فلسفی، از نویسنده ای که آثارش تاکنون به فارسی منتشر نشده است، نام بود که توسیفی و یا مقدمه ای آورده شود، و از این لحاظ بهتر این دیده شد که خلاصه ترجمه مقاله ران در سارتر، نویسنده معاصر فرانسوی؛ که درباره همین کتاب نوشته شده است در آغاز کتاب درج شود. گرچه سارتر این مقاله را از یک نظر مخصوص نوشته است که شاید مورد علاقه خواننده نباشد، ولی در عین حال توصیفی است رساننده و دقیق که به فهم داستان کمک خواهد کرد. خلاصه کردن چنین مقاله ای بسیار دشوار و در عین حال جسورانه بود ولی چه باید کرد که برای این مقاصد پس از شانزده صفحه جا گذاشته نشده بود. گذشته از اینکه ممکن بود ترجمه کامل آن برای خوانندگان ضلالت آور بشود.